

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :

A Comparative Study of the Sphinx in Achaemenid Art and Seljuk Art

در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## مطالعه تطبیقی نقش اسفنجس در هنر هخامنشی و هنر سلجوقی

محمد رضا شریف زاده\*<sup>۱</sup>، الهه فیضی مقدم<sup>۲</sup>

۱. دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

۲. پژوهشگر دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۳ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۵/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۲ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۷/۰۱

### چکیده

بیان مسئله: اسفنجس از انواع نقوش جانوران ترکیبی است که انسان پیشین آن را با ذهن و تخیل خودش آفرید و در طی ادوار مختلف تاریخی، با مفاهیم و ظواهر متفاوت پرورش داد. این نقش در ایران هم نمود پیدا کرد و در دوران باستانی و اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. با وجود کاربرد و اهمیت اسفنجس در دوره‌های تاریخی ایران، این نقش کمتر مورد بررسی و قیاس قرار گرفته و کماکان با نقاط مبهمی روبروست. لذا در این تحقیق به بررسی نقش اسفنجس به عنوان نقشی پرکاربرد در دو دوره تاریخی ایران، هخامنشیان در دوران باستانی و سلجوقیان در دوران اسلامی پرداخته شده است.

هدف: هدف از این پژوهش، یافتن تفاوت‌ها و شباهت‌های مابین نقش اسفنجس در دو دوره هخامنشی و سلجوقی با رویکردی تطبیقی است.

روش پژوهش: در راستای دستیابی به هدف، تصاویر اسفنجس‌ها در دوره هخامنشی و سلجوقی و مفاهیم مرتبط با آن، جستجو و با تکیه بر روش توصیفی به توصیف مشخصات هر یک در جداولی جداگانه پرداخته، مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری نقوش، مشخص شد و با رویکرد تحلیلی دلایل و منابع احتمالی کاربرد آنها مورد بحث و تحلیل قرار داده شده است. علاوه بر این، از منظر بصری آنها را مورد بررسی قرار داده و در انتها با یکدیگر تطبیق داده شدند.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نمایانگر وجوه اشتراک و افتراق نقش اسفنجس در این دو دوره است. به طور کلی می‌توان گفت در اغلب موارد، نقش اسفنجس در دو هنر هخامنشیان و سلجوقیان از لحاظ ویژگی‌های ساختاری متفاوتند ولی از لحاظ مفاهیم و نقش کاربردی آن با یکدیگر نقاط اشتراک زیادی دارند. در بررسی بصری نیز مشخص شد که هر دوی آنها از منظر ترکیب‌بندی، ریتم و نوع خط به یکدیگر شباهت دارند. این نقش در دوره هخامنشی نماد خورشید، قدرت شاهنشاهی، محافظ درخت زندگی و نگهبان کاخ بوده، در دو طرف درخت مقدس با مفهوم نیایش در ارتباط بوده و در دوره سلجوقی، نماد خورشید، برکت، وجوه عرفانی، صور فلکی، سحر و جادو، نگهبان قصر، محافظ درخت زندگی، و در دو طرف درخت زندگی با مفهوم نیایش مرتبط است.

واژگان کلیدی: اسفنجس، نماد، عناصر بصری، هخامنشیان، سلجوقیان.

### مقدمه

توجه محققان و پژوهشگران بوده است و تحقیقات بسیاری در این رابطه صورت گرفته، اما همیشه با نقاط مبهم و تاریکی روبرو بوده است. در این بین، یکی از مهم‌ترین

تحقیق و تفحص در رابطه با تاریخ ایران، همیشه مورد

\* نویسنده مسئول: M2\_sharifzadeh1@yahoo.com

۰۹۱۲۲۳۴۴۲۱۷

هر دوره، طراحی کرده و در جداول جداگانه‌ای مورد بررسی بصری و تحلیل معنایی قرار داده می‌شوند.

#### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

با انجام این پژوهش می‌توان به مجموعه‌ای از عوامل و منابع ناشناخته و شناخته شده که در کاربرد نقش اسفنجس دخیل است را یافت و به نقش این عوامل بر روی هنر هخامنشی و سلجوقی پی برد. عواملی که می‌تواند برگرفته از سیاست، حکومت، مذهب، عرفان، علم، فرهنگ و... باشد و با استناد به آنها می‌توان دلایل و چرایی استفاده از این نقوش را در قیاس با یکدیگر پیدا کرد. با استناد به مدارک موجود و به لحاظ سابقه تحقیق، با توجه به تعداد اندک نقوش، باید یادآور شد که تاکنون تحقیق تخصصی در زمینه مقایسه این نقش در این دو دوران صورت نگرفته است و کارهای مشابه صورت گرفته بیشتر این نقوش را در طی یک دوران خاص مورد پژوهش قرار داده‌اند. در اکثر تحقیقات و کتب مربوط به مخلوقات اساطیری و ترکیبی، تنها اشاره‌ای کوتاه به اسفنجس شده، همچون اشاره مختصر جیمز هال در کتاب فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب و اشاره‌ای کوتاه در کتاب فرهنگ نمادها نوشته ژان شوالیه و آلن گربران. البته در مقاله‌ای از عابد دوست و کاظم پور با عنوان تداوم حیات اسفنجس‌ها و هارپی‌های باستانی در هنر دوره اسلامی به این مبحث مفصل‌تر پرداخته شده است. علاوه بر آن در مقاله‌ای از سید هاشم حسینی با عنوان نقوش موجودات ترکیبی در هنر سفالگری دوران اسلامی ایران اشاراتی به نقش اسفنجس شده است. در چندین مقاله انگلیسی نیز اشاراتی به این نقش در این دوره‌های تاریخی شده است.

#### یافته‌ها

##### • نقش اسفنجس در دوره‌های تاریخی

بنابر تعریف دهخدا: «اسفنجس (از لاتینی اسفینکس و یونانی اسفینگس) نام حیوان موهومی است که در مصر و یونان باستانی به هیاکل مختلف مجسم می‌کردند» (دهخدا، ۱۳۷۳). اولین و قدیمی‌ترین اسفنجس‌ها در مصر با نام ابوالهول در اواسط هزاره سوم پیش از میلاد نمود پیدا می‌کند. مصریان فرعون را با بدن آدمی و ریش و هیأت شیری خمیده نشان می‌دادند که نماد فوق بشری بود (هال، ۱۳۹۳: ۲۰). این نقش همواره بر مقابل مقابر غول آسا دیده‌بانی می‌کند و به افق، جایی که خورشید طلوع می‌کند، می‌نگرد. به عقیده ژان بویوت: «صاحب قدرتی شاهانه، ستمگر در مقابل شورشیان و پشتیبان نیکان، ابوالهول با چهره ریشو، شاه یا خدای خورشید است. حتی صفات شیر را دارد، گربه صفت است و در جنگ بی‌طاقت (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۴۱). ابوالهول

راه‌های شناخت بشر از ادوار گذشته، مطالعه بر روی آثار و نقوش به‌جای مانده از آنان است. در این میان نقش جانوران ترکیبی به عنوان موجودات اساطیری از جمله نقوشی است که در دوره‌های تاریخی ایران، چه در دوران پیش از اسلام و چه دوران اسلامی اغلب مورد استفاده قرار می‌گرفته، برای مردمان آن روزگار مفاهیم و معانی خاصی داشته‌اند. البته هنرمندان با نیت و مقصود مشخصی آنها را نقش می‌کرده‌اند. اسفنجس یکی از این موجودات ترکیبی است که در طول تاریخ، علاوه بر ایران، در دیگر جوامع و تمدن‌ها به تصویر کشیده شده است. این موجود، مرکبی از سر انسان، بدن شیر با بال‌های عقاب است و همچون دیگر جانوران ترکیبی، زاییده تخیل بشر است. ظهور این نقش در دوران باستانی ایران و تداوم آن در دوران اسلامی اهمیت آن را میان ایرانیان نشان می‌دهد. بررسی بصری و تحلیل نقش اسفنجس و زمینه و مبانی کاربرد آن در هنر دو دوره تاریخی ایران، هخامنشیان در دوران باستان و سلجوقیان در دوران اسلامی، موضوع تحقیق پیش رو است. فرضیه اصلی پژوهش این است که با توجه به نمونه‌های بسیار نقوش جانوران ترکیبی در دوران پیش از اسلام و مفاهیم نمادین و اسطوره‌های این نقوش در آن دوران و با استناد به این امر که هنر اسلامی از هنر دوران پیش از اسلام تأثیر گرفته است، لذا می‌توان گفت که نقش اسفنجس در دوران سلجوقی از این نوع نقش در دوران هخامنشی الهام گرفته است. هرچند که در دوران هخامنشیان، اغلب نقوش اسفنجس در نقش برجسته‌ها و مهرها مورد استفاده قرار گرفته و از این نقش در هنر سلجوقی بر روی سفالینه‌ها و فلزکاری‌ها بهره برده‌اند. لذا هدف اصلی از مقایسه این نقوش در این دو دوران، دستیابی به نقاط مشترک، شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آنهاست تا بتوان با این قیاس، بسیاری از پرسش‌ها و ابهامات در زمینه منابع و انگیزه‌های کاربرد آنها را پاسخ داد.

#### روش انجام پژوهش

شیوه جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای شامل مطالعه کتب و مقالات بوده، همچنین در همین راستا آثار به‌جای مانده از این دو دوران که حاوی نقش اسفنجس هستند را با جستجو در موزه‌ها و مجموعه‌های داخلی و خارجی انتخاب و پس از بررسی و با تکیه بر روش توصیفی، به توصیف مشخصات تکنیکی، تزئینی و مفهومی هر یک پرداخته و مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری نقوش، مشخص می‌گردد و با رویکرد تحلیلی دلایل و منابع احتمالی کاربرد آنها مورد بحث و تحلیل قرار داده می‌شود و با رویکردی تطبیقی به قیاس این نقش در این دو دوره پرداخته خواهد شد. جهت ارزیابی دقیق‌تر، هریک از نقوش اسفنجس را در

دوره اسلامی میانه می‌رساند (Guratola, 2006: 118). در توضیح خصوصیات این نقش باید متذکر شد که این نقش به عنوان موجودی ترکیبی، مشتمل بر بدن شیر، بال‌های عقاب و سر انسان بوده، علاوه بر ویژگی‌هایی که مختص به خود دارد، خصوصیات موجودات مرکبش را نیز همراه دارد. بال به عنوان یک بخش تشکیل‌دهنده اسفنکس، وقتی بر روی بدن حیوان قرار گیرد، «علامت ایزدی و نماد قدرت محافظت است» (هال، ۱۳۹۳: ۳۰). «شیر نمادی خورشیدی، به غایت درخشان، مظهر قدرت، عقل، عدالت و سلطنت است» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۱۱۱). علاوه بر این شیر سمبل برکت و باروری نیز بوده است (صدیقیان، ۱۳۸۶: ۳). انسان نیز به عنوان بخش دیگری از این موجود، در طول تاریخ «موضوع طرح‌های بی‌شماری در آثار مربوط به طالع بینی است، که نشان می‌دهد چگونه هر عضوی از بدن، تحت تأثیر سیاره خود، یا یک علامت منطقه البروج است» (هال، ۱۳۹۳: ۲۳۰).

#### نقش اسفنکس در دوران هخامنشی

در میان آثار به جای مانده از دوران هخامنشی، نقش اسفنکس بیشتر بر روی مهرها دیده می‌شود. در تخت جمشید این نقش به صورت نقش برجسته و دیوار نگاره‌های آجری حضور دارد. «کاربرد این موجود در تخت جمشید به یک مضمون اختصاص دارد، پرستش و نیایش. در حالی که در برابر یکدیگر قرار گرفته باشند و قرص بال‌داری در میانشان جای داشته باشد. آنها تاج سلطنتی و آسمانی بین‌النهرین را بر سر دارند که استوانه‌ای بلند با سه جفت شاخ و ردیفی پر در بالای آن است» (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۵۹). طراحی اسفنکس بر روی دیواره‌های تخت جمشید به سبک فارسی موسوم به سلطنتی است، به عنوان نمونه در کاخ داریوش، اسفنکسی با این سبک به شکل مردی ریش‌دار، در نقش محافظ و نگهبان حضور دارد (Carstens, 2010: 42). سر انسانی اسفنکس‌ها برگرفته شده از سر و چهره داریوش است و این از نقش داریوش بر روی دیواره‌های تخت جمشید و شوش قابل تشخیص است. «در بندهای هشتم و نهم نقش برجسته نقش رستم، داریوش در توصیف صفات خود، به ویژگی‌های بدنی خود اشاره کرده و آنها را می‌ستاید» (شارپ، ۱۳۵۲: ۹۱). از متن این سنگ نبشته می‌توان به خوبی استنباط کرد که اگر چهره اسفنکس‌ها با چهره داریوش در نقش برجسته‌ها شباهت دارد، مطمئناً به خواست خود او بوده است. البته در نقوش برجسته، اسفنکس گوش گاو نر را دارد و حلقه‌ای به آن آویزان است. شکل ظاهری این نقوش به صورت طبیعت‌گرایانه است، بدین منظور که انتزاع در نقش آنها دخیل نیست و هنرمند هخامنشی در ترسیم آنها دقیق‌ترین جزئیات را به

اولین بار در سوریه و آسیای صغیر دارای سر زن شد و به همین صورت به یونان رسید (هال، ۱۳۹۳: ۲۰). در اساطیر و هنر یونان به صورت غولی نیمه‌شیر و نیمه‌زن است. او «نماد فسق و فجور و سلطه‌گری فساد آمیز است و چون بلای آسمانی، آن سرزمین را نابود می‌کند» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۴۱). «اسفنکس برای نخستین بار در خاورمیانه بر روی مهرهای استوانه‌ای آشوری در سده سیزدهم، یازدهم پیش از میلاد و با گستردگی بیشتری، از سده نهم پیش از میلاد به عنوان تندیس‌های محافظ معابد و قصرها دیده می‌شود» (هال، ۱۳۹۳: ۲۰). نمونه این نقش در آثار لرستان هم دیده می‌شود و به اعتقاد گدار، این نقش در طی قرون نهم و هشتم پیش از میلاد از آشور وارد لرستان شده و بر روی جام‌ها، سنجاق‌ها و ... نقش بسته است. نقش اسفنکس بر روی آثار به جای مانده از لرستان به شیوه صنعتی و ظریف آشوری ترسیم شده است، در این نقوش همچون نقش آن در هنر آشور، یک بال به سمت جلو و بال دیگر به پشت قرار دارد و بین آنها درخت نخل آشوری دیده می‌شود (گدار، ۱۳۷۷: ۷۳). این نقش برای اولین بار در ایران، بر روی سینه‌بندی کشف شده از گورستان زیویه، دیده می‌شود. البته شکل ظاهری آن با نمونه‌های مشابهش تفاوت دارد (عابدوست و کاظم‌پور، ۱۳۸۸: ۸۳). بعد از ورود آریایی‌ها به ایران، این نقش کماکان پایدار ماند. اسفنکس در دوره هخامنشیان، اغلب بر روی مهرها و نقوش برجسته در تخت جمشید دیده می‌شود. در محوطه نسا متعلق به دوره اشکانی نیز این نقش حضور دارد (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۱۶۴). همچنین بر روی تعدادی از مهرهای به جای مانده از دوره ساسانی محفوظ در موزه بریتانیا، مشاهده می‌شود. در اوایل ورود اسلام به ایران، از این نقش چون دیگر نقوش انسانی و حیوانی استفاده نمی‌شده و به طور دقیق هم نمی‌توان گفت اسفنکس برای اولین بار در چه زمان و در کدام کشور اسلامی وارد شده است. در قرن پنج هجری قمری، نقش آن در دوره فاطمی دیده می‌شود. این نمونه مصری، پارچه‌کتان بافته شده با تزیین تکه‌های قالیچه‌نماست که پزندگان، ابوالهول‌ها و جانوران دیگر به صورت پشت به پشت در آن تصویر شده و به چادر آنای مقدس مشهور است (هیلن برند، ۱۳۸۶: ۸۳). در قرون چهارم و پنجم هجری قمری ایران، «نقش اسفنکس از نقوش رایج در سفالینه‌های با نقش‌کننده از انواع معروف به گروس یا شاملو است که اغلب در کف داخلی کاسه یا بشقاب دیده می‌شود» (حسینی، ۱۳۹۱: ۵۰). در کاسه مینایی با بدنه خمیر سنگی و تکنیک هفت رنگی که در قرن شش و هفت هجری قمری در کاشان یافت شده، اسفنکس به عنوان سمبل خورشیدی در وسط مدالیون نقش شده و در حاشیه و گرداگرد کاسه، هشت انسان نشسته‌اند. این حضور خاص، نقش مذکور را در سفالینه‌های

شده است. باید گفت که نقش جانوران در دوره اسلامی الهام گرفته از دوران پیش از اسلام است ولی سبک تصویرگری آنها در دوره اسلامی نسبت به پیش از اسلام رونق پیدا کرد و بر روی طرح این نقوش ابداعاتی ایجاد شد (گرابار، ۱۳۸۵: ۳۶). «این نقش غالباً با شیردال یا گریفین می‌آید و نماد سفر خورشید در آسمان‌هاست» (هیلن برن، ۱۳۸۶: ۹۶). این ویژگی در تصویر کردن اسفنکس وسط مدالیون همراه با گل آذین‌ها و شرفه‌ها بیشتر نمایان است. نقش اسفنکس بر روی کاشی‌ها همراه با نقوشی چون هارپی و درخت زندگی نمایشی از صور خیال و جهان تخیل است و اسفنکس‌ها در این نقوش از درخت زندگی یا درخت مقدس محافظت می‌کنند. این امر بر اهمیت درخت زندگی تأکید دارد. علاوه بر این، اسفنکس‌ها بر روی دیواره قصرها، به حفاظت از کاخ و سلطان کمک می‌کند. آنها با قدرت جادویی خود قصر را از انواع بدی‌ها، دشمنان و بیماری محافظت کرده و نمادی از بخت و اقبال هستند (Oney, 2016: 138). چهره‌های نقش شده بر روی این کاشی‌ها و پنل‌ها، که غالباً تاجی بر سر دارند، چهره‌های سلطنتی و زنان کاخ را تداعی می‌کند. بر روی دیگر آثار، این چهره همراه با تاج، شبیه به نقش براق است. فقط با این ویژگی که براق در این آثار بر خلاف ظاهر متداول خود که نیمه اسب و نیمه انسانی است، به نقش اسفنکس تغییر ماهیت می‌دهد و بدن شیر جایگزین بدن اسب می‌شود. البته باید گفت که در طول دوران اسلامی، «براق از نظر تحول ساختار شکلی، همان سیر پیشرفت فیزیکی اسفنکس را طی می‌کند، بدین صورت که گونه‌های بدون بال به اشکال بال دار تبدیل شده و به عنوان نمونه‌های تکامل یافته که قدرت بیشتری نیز ظاهراً دارند، به وجود می‌آیند» (طاهری، ۱۳۹۱: ۲۰). در دوره سلجوقی اسفنکس‌ها گاه می‌تواند کارکرد طلسم و سحر و جادو داشته باشد. بر روی نمونه کاسه سفالی برجای مانده از این دوره که به شیوه شیاری در غرب ایران ساخته شده، ابوالهول دارای پیوندهای باطل‌السحر، بهشتی و طالع‌بینی است (هیلن برن، ۱۳۸۶: ۹۶). گاهی این نقوش نمایشی از صور فلکی هستند، به عنوان نمونه، پشت آینه برنزی به جای مانده از این دوران، اسفنکس با دم عقرب نقش شده و کتیبه‌ای در بر دارد «کتیبه برای صاحب آینه شهرت، عمر طولانی، قدرت، درخشش، فزونی، مدح، قیام، خوشی، جلال، دولت، آبرو و بخشش را آرزو می‌کند» (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۸۸: ۸۸). این نمایش اسفنکس با بدن شیر، دم عقرب و سر زن با موهای مجعد مانند ترکیبی از صور فلکی اسد، عقرب و سنبله یا عذراست (Calmeyer, Trümpelmann & Zick-Nissen, 1972: 156). «در اسطوره کیومرث، سه هزاره دوم از روزگاران بی هیچ رنج و درد است، که آن هزاره سرطان و اسد و سنبله بود. ترکیب سه گانه صورت‌ها متعلق به زمان و باروری و برکت است

کار برده و این در نمایش بال‌ها و پرها کاملاً نمایان است. اسفنکس بر روی مهرها، گاهی همانند نقوش برجسته تخت جمشید، به صورت قرینه و روبروی اسفنکس دیگر ظاهر شده و میان آن دو، در بالا نقش فروهر به شکل دایره بال‌دار قرار دارد. این مهرها گاه به صورت تک نقش ترسیم شده و گاه منقوش به نقوش دیگر هستند. برخی از این مهرها با اسامی لیدیایی ثبت شده است و احتمالاً در لیدیا توسط ساتراپ‌ها ساخته یا استفاده می‌شدند. این بدان معنی است که این نقش ناشناخته نبوده و اشاره‌ای به حکومت هخامنشیان داشته است (Carstens, 2010: 43). گاهی این نقش بر روی مهرها پشت به پشت با ترکیبی متقارن با نقش اسفنکس دیگری ظاهر می‌شود که در این نوع، دایره بال‌دار میانشان حضور ندارد و اغلب شاه همچون پهلوان فوق انسانی بر روی اسفنکس‌ها ایستاده و به آسانی، شیرهای نیرومند و خطرناک را با گرفتن از پاها در هوا تاب می‌دهد. چنین نقوشی در کنار هم، به منظور نمایش قدرت شاه و حکومت پادشاهی اوست و به گفته پرادا یعنی «نیرومند ساختن موقعیت سیاسی پادشاه» (پرادا، ۱۳۸۳: ۲۵۳). در مهرها، معمولاً بر روی سر اسفنکس‌ها، پوششی تاج مانند است که با خطوط عمودی و شیارهایی مزین شده و شکل پر را تداعی می‌کند (Dusinberre, 2008: 91). اغلب چهره آنها نیم رخ است و در موارد نادری چهره تمام رخ دارند، با بینی و چشمان بزرگ، ریش چهارگوشه، شبیه به پادشاهان هخامنشی ترسیم شده‌اند، بال‌هایی فراخ دارد و غالباً تاج یا عمامه‌ای بر سرشان است. این نقش در هنر هخامنشیان در نقش محافظ در دو سوی گل نیلوفر آبی حضور داشته و اغلب بر دیواره ورودی کاخ، در حال ستایش و نیایش است. علاوه بر این در مهرهایی که شاه در نقش پهلوان با نیروی فرازمینی حضور دارد، غالباً اسفنکس به عنوان پایه در زیر پاهای او قرار می‌گیرد. در این مهرها قدرت پادشاهی به نمایش گذاشته می‌شود. اما گاهی به صورت اهریمن نیز ظاهر شده و آن هنگامه‌ای است که پادشاه قهرمان در حال مبارزه با اوست. در ادامه به تفصیل دقیق‌تر این نقوش، به صورت جداگانه در جدول پرداخته شده است (جدول ۱).

### نقش اسفنکس در دوران سلجوقی

اسفنکس در دوران سلجوقی بیشتر بر روی آثار فلزی و سفالینه‌ها دیده شده و اغلب با بال، چهره تمام‌رخ، چشمان بادامی، موهای آویزان، کلاه، پیشانی‌بند و تاجی بر سر و دمی به هوا افراشته شده، بر زمین‌های پوشیده از نقوش اسلیمی نمایش داده می‌شود. گاهی با گردن‌بندی بر گردن و گاهی با خال‌هایی بر بدن نیز تصویر شده است. این نقش بر روی ظروف فلزی و سفالین بر کف کاسه یا سینی و در وسط مدالیون نقش

پرداختن به جزئیات ظریف و لطیف از ویژگی‌های اکثر نقوش سلجوقی است. این شیوه در آثاری که نقش اسفنگس در آن وجود دارد نیز به وضوح دیده می‌شود. در ادامه به تحلیل این نقوش، به صورت جداگانه در جدول پرداخته خواهد شد (جدول ۲).

(عابد دوست و کاظم پور ۱۳۸۸: ۸۸). در اغلب آثار سلجوقی، میان اجزای نقش اسفنگس مو، تاج، بال و دم، بدن، پاها و نقش اسلیمی زمینه هماهنگی وجود دارد. هنرمند سلجوقی سعی کرده تا با کمک گرفتن از خطوط منحنی و نقوش گیاهی و اسلیمی در زمینه و بدن اسفنگس تطابق ایجاد کند.

جدول ۱. نقش کاربردی اسفنگس و مشخصات آن در دوران هخامنشی، مأخذ: نگارندگان.

مشخصات	تصویر و ترسیم خطی
<p><b>پلاک طلایی محفوظ در موزه بریتانیا</b></p> <p>اسفنگس با چهره زن در قالب دایره، با بالی که در سرش، یک پرند شبیه به گریفین است، نقش شده است. چهره‌های نیم‌رخ، کلاه گرد و گردنبندی بر گردن دارد. دارای پیشانی راست بالاست و سرش را به عقب، به سمت هیولا برده و به آن، با تفکر می‌نگرد. هیچ جلوه‌ای از دلبستگی میانشان نیست.</p>	
<p><b>پلاک طلایی محفوظ در موزه بریتانیا</b></p> <p>اسفنگس با چهره مرد در قالب دایره نقش شده است. چهره‌های نیم‌رخ و تاجی بر سر دارد و دست چپش را به سمت بالا برده است. این اثر، اسفنگس را در حال نیایش و ستایش نشان می‌دهد.</p>	
<p><b>پلاک طلایی محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون</b></p> <p>این اسفنگس به صورت نشسته، با کلاهی شیاردار بر سر و موهای آویزان در پشت سر نقش شده است. احتمالاً سر این اسفنگس با چهره زن ترسیم شده باشد چون گردنبندی بر گردن دارد. شیارهای ایجاد شده در نمایش پرهای بال با ظرافت صورت گرفته و دارای ریتم منظم در حال رشد است.</p>	
<p><b>Pyxis از نقره محفوظ در موزه بریتانیا</b></p> <p>Pyxis جعبه‌ای استوانه‌ای است که برای داروها، توالیت و موارد دیگر در یونان و روم باستان استفاده می‌شده است. اسفنگس در این شیء در حالت نشسته، با چهره نیم‌رخ، همراه با ریش، در تقارن و رو به روی اسفنگس دیگری نمایش داده شده است. در میان آنها گل نیلوفرآبی است و اسفنگس در نقش محافظتی از آنها حضور دارد. علاوه بر این گوزن‌هایی در دو سوی گل نیلوفر آبی دیگری قرار دارند.</p>	
<p><b>مهر مسطح از خاک رس محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون</b></p> <p>اسفنگس در این مهر، با ترکیبی متقارن، روبه روی اسفنگسی دیگر نقش شده است. پادشاه با نیروی فراطبیعی و ابر انسانی یک جفت شیر را معلق در هوا آویزان کرده و پاهایش را بر روی سر اسفنگس‌ها قرار داده است. در گوشه نقش درخت مقدس یا درخت زندگی دیده می‌شود.</p>	
<p><b>مهر استوانه‌ای از سنگ یشم محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون</b></p> <p>اسفنگس در این مهر در تقارن و رو به روی اسفنگس دیگری نقش شده است. اسفنگس با ریش بافت‌دار با چهره‌های نیم‌رخ و با تاجی بر سر تصویر شده است. در بالای سر آنها نقش اهورامزدا دیده می‌شود و اسفنگس‌ها در حال ستایش و نیایش اویند.</p>	

**مُهر استوانه‌ای از سنگ عقیق موجود در حراجی کریستیز**

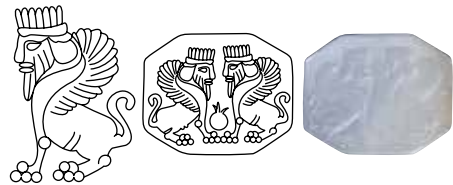
اسفنگس در این مهر در تقارن و پشت به پشت اسفنگس دیگر نقش شده است. چهره نیم‌رخ، بینی برجسته، با تاجی بر سر، بر پایین پای پادشاه ریش‌دار هخامنشی نشسته است. پادشاه در نقش قهرمانی با نیروی فرازمینی، دو شیر را با دستان خود در هوا معلق کرده و تاب می‌دهد. در سمت چپ تصویر، عقرب‌مردی با سر انسان، با بال و دم عقرب ایستاده است. در اینجا با توجه به نقش پادشاه، تاج و موجودات اهریمنی، اسفنگس در نمایش قدرت و ستایش مقام پادشاه نقش شده است.

**مُهر استوانه‌ای از سنگ یمانی محفوظ در موزه بریتانیا**

اسفنگس در این مهر در تقارن و پشت به پشت اسفنگس دیگر تصویر شده است. اسفنگس ریش‌دار با چهره نیم‌رخ، بینی برجسته، با تاجی بر سر، به صورت خوابیده بر روی سینه نقش شده است و دم و بالش به سمت بالا است. در سمت راست این مهر، یک جفت گریفین، پادشاه، اهورامزدا و همچنین گلی شبیه به نیلوفر آبی رسم شده است. بالای اسفنگس، یک دیو اهریمنی مصری با دو گوزن گلاویز شده است. احتمالاً این مهر روایتگر یک داستان اساطیری باشد.

**مُهر مسطح از سنگ یمانی محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون**

اسفنگس در این مهر در تقارن و رو به روی اسفنگس دیگر نقش شده است. چهره نیم‌رخ، بینی و لبان بزرگ، با ریش و با تاج یا کلاهی پرداز بر سر، بصورت نشسته نقش شده است و دم و بالش به هوا افراشته شده است. در میان دو نقش اسفنگس، نقش گیاهی دیده می‌شود و احتمالاً دو اسفنگس در نقش محافظت از آن حضور دارند و یا در حال نیایش‌اند.

**مُهر هرمی از سنگ یمانی محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون**

اسفنگس نقش شده در این مهر دو سر دارد، اسفنگس نشسته با سر انسان است، چهره تمام‌رخ دارد، چشمانی گرد، گوش‌هایی بزرگ و مدور و تاج یا کلاهی بر سر دارد. کلاهش با شیارهایی منقوش شده و شکل پر را تداعی می‌کند. بالش واقع‌گرایانه ترسیم شده و ریتم رشدیابنده دارد. سر دوم با سر شیر بوده و دراز کشیده است و از زاویه بالا دیده می‌شود.

**مُهر هرمی از سنگ یمانی محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون**

اسفنگس در این مهر شبیه به قنطروس است، علاوه بر بدن و چارپای شیر، سر و دست انسان نیز دارد. با کمانی در دست به دنبال شیری است. او کمان خود را در حال حرکت به سمت شیر گرفته، در حالیکه بز کوهی مرده‌ای در سمت پایینش بر روی زمین افتاده که احتمالاً توسط شیر کشته شده است. چهره اسفنگس در اینجا نیم‌رخ، با ریش، کلاه یا تاجی پرداز و بال‌هایی فراخ نقش شده است.

**مُهر هرمی از سنگ یمانی محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون**

اسفنگس در این مهر در تقارن و رو به روی اسفنگس دیگر نقش شده است. با ریش، شاخ بز کوهی و گوش‌های شبیه به اسب یا گاو نر، بدن و دستان و پاهای کوتاه با پنجه‌های گرد رسم شده است. هر دو اسفنگس یک دست خود را بالا برده‌اند و با دستان یکدیگر را لمس می‌کنند.



### مهر مسطح از سنگ یمانی محفوظ در موزه بریتانیا

اسفنجس در این مهر در تقارن و پشت به پشت اسفنجس دیگر تصویر شده، چهره نیمرخ، پیشانی عمود و بلند با تاج یا کلاه بر سر، بر پایین پای پادشاه ریش دار هخامنشی، نشسته است. پادشاه در نقش قهرمان بار دای پارسی در حال مبارزه با یک جفت گریفین است. گریفین در نقش اهریمن ظاهر شده است. با توجه به این طرح، این مهر جلوه‌ای از قدرت و شکوه سلطنتی است.



### مهر مسطح از سنگ فلدسپار محفوظ در موزه متروپولیتن

اسفنجس در وسط دایره نقش شده و فرم دوار مهر را به خود گرفته است. بر بدن این اسفنجس خطوطی دیده می‌شود، گویی نمایشی از ستون فقرات آن است، این خطوط نشان از دست‌یابی درونی ابوالهول به حقیقتی مطلق است و این حقیقت با نگاه به طلوع خورشید، آنها را مملو می‌کند (شوالیه، ۱۳۸۴: ۴۱). بالای سر این نقش، هلال ماه دیده می‌شود، ماه در تمدن‌های آریایی به عنوان ایزدبانوی باروری ظاهر می‌شده است.



### مهر مسطح از سنگ لاجورد محفوظ در موزه بریتانیا

اسفنجس در این مهر به عنوان نماد اهریمنی ظاهر شده است. پهلوان داستان با ریش بافت‌دار و ردایی ایرانی، قداره‌ای داسی شکل در دست راستش دارد و در حال کشتن اسفنجس با دیگر دستش هست. در زیر پای آنها خطوط مواجی دیده می‌شود که نمایش آب رودخانه است و در بالای سرشان نقش هلال ماه دیده می‌شود. با توجه به نقش هلال ماه و خطوط مواج در نمایش آب، احتمالاً این مهر در ارتباط با باروری و حاصلخیزی است. ظاهر این اسفنجس شبیه به اسفنجس‌های آشوری است که بعضاً مشابه آن بر روی آثار لرستان هم دیده می‌شود.



### مهر از خاک رس محفوظ در موزه بریتانیا

دو اسفنجس در این مهر در تقارن و رو به رو هم در مقابله با قهرمان هخامنشی نقش شده است. چهره اسفنجس در این اثر، تمام‌رخ، ریش‌دار و با تاجی بر سر تصویر شده و قهرمان (احتمالاً پادشاه)، در حال برداشتن تاج از سر اسفنجس‌هاست و آنها قصد ممانعت دارند. با توجه به این طرح، اسفنجس نماد اهریمنی داشته و پادشاه در نقش قهرمان، اوج قدرت خود را به نمایش می‌گذارد.



### گلدان مربع شکل محفوظ در موزه لوور

اسفنجس در هر چهار وجه این گلدان نقش شده است. بر یک سمت این گلدان، نقش سر یک زن به صورت برجسته دیده می‌شود. کلاه یا عمامه روی سر اسفنجس به شکل متفاوت در چند رده مزین شده است. حکاکی‌های صورت گرفته با خطوط متقاطع، بافت خاصی را به اسفنجس داده است. نقش گل نیلوفر آبی بصورت کامل و برش خورده در کادر مربعی نمایش داده شده است.



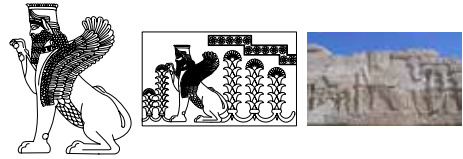
### نقش برجسته از سنگ آهک محفوظ در موزه بریتانیا

اسفنجس در این نقش برجسته در تقارن و رو به رو به روی اسفنجس دیگر نقش شده و نقش اهورامزدا به صورت دایره بالدار بالای آنها قرار دارد. اسفنجس در این نقش برجسته با ریش چهارگوش و با گوش گاو ترسیم شده و با گوشواره‌ای بر گوش و عمامه‌ای بلند با تزیینات خاص، نشان از ربانی بودن این نقش دارد. یکی از پنجه‌ها به سمت بالاست که نشانی از احترام به اهورامزداست. در پشت آن و ردیف بالا و پایین طرح نقش گل نیلوفر آبی به صورت نیمرخ و تمام‌رخ با دوازده پر دیده می‌شود.



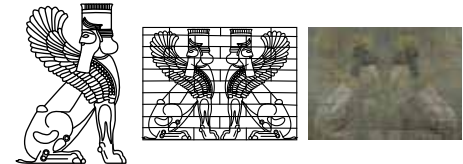
### نقش برجسته بر دیواره کاخ هدیش در تخت جمشید

اسفنکس با ترکیبی متقارن، رو به روی اسفنکس دیگر و در میان گل‌های نیلوفر آبی نقش شده و در بین آنها نقش اهورامزدا قرار دارد. اسفنکس در این طرح با گوش گاو و با حلقه‌ای بر گوش نقش شده و عمامه استوانه‌ای شکل تشریفاتی آن، حکایت از ماهیت الهی این نقش در این اثر دارد. قرارگیری این نقش بر ورودی کاخ‌ها حکایت از نقش نگهبان اسفنکس دارد.



### نقش دیواری از آجر لعاب داده شده محفوظ در لوور

اسفنکس در این پل با ترکیبی متقارن و رو به روی اسفنکس دیگر نقش شده و سر و نگاهش به سمت عقب است. در بالای آنها اهورامزدا قرار دارد. اسفنکس در این طرح با گوش گاو و با حلقه‌ای بر گوش نقش شده است. عمامه استوانه‌ای شکل تشریفاتی آن حکایت از ماهیت الهی این نقش در این اثر دارد. پیکرنگاری این اثر به روش سنتی و سبک ناب فارسی صورت گرفته است. تجلی خیرخواهانه این نقش در این اثر و آثار مشابه دیگر آن نشان از روح سودمند و خیرخواهانه آن دارد.



### نقش برجسته در تخت جمشید

اسفنکس در این نقش برجسته نیز با ترکیبی متقارن با اسفنکس دیگر نقش شده است. چهره به صورت نیمرخ، چشمان تمامرخ، گوش گاو با حلقه‌ای در گوش، ریش مستطیلی و چهار گوش با بافت دوار، عمامه تشریفاتی مزین به نیلوفر آبی و دست رو به بالا و دُمی با حالت معکوس به هوا افراشته شده، بال با پرهای ظریف با ریتم منظم و رشد یابنده از ویژگی‌های این نقش در این اثر است.



### نقش برجسته بر دیواره پله‌های شرقی کاخ آپادانا

این اسفنکس نیز خصوصیات دیگر نقوش اسفنکس بر دیواره‌های تخت جمشید که پیش‌تر گفته شد را داراست. تنها در جزئیات با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. در مجموع باید گفت چهره این اسفنکس و نقوش مشابه آن از چهره داریوش گرفته شده و این امر از نقوش داریوش در تخت جمشید و شوش قابل فهم است.



جدول ۲. نقش کاربردی اسفنکس و مشخصات آن در دوران سلجوقی. مأخذ: نگارندگان.

#### مشخصات

#### تصویر و ترسیم خطی

##### آینه دسته‌دار از برنز محفوظ در موزه بریتانیا

در پشت این آینه، یک جفت اسفنکس، پشت به پشت با ترکیبی متقارن، در وسط مدالیون ترسیم شده است. درحاشیه آینه نقشی تجریدی با ریتمی منظم تکرار شده است و نقش خورشید را تداعی می‌کند. اسفنکس در این طرح به صورت ایستاده، دم به سمت پایین، موها آویزان شده و چهره تمامرخ نقش شده است.



##### آینه دسته‌دار از برنز محفوظ در موزه بریتانیا

در پشت این آینه، اسفنکس در میان انبوهی نقوش ختایی و اسلیمی مزین شده است. چهره اسفنکس تمامرخ بوده و گویی به دور سرش، هاله‌ای وجود دارد که نمایی از خورشید و وجوه عرفانی است. دم به حالتی مزین رو به بالاست و بال این اسفنکس نیز با ظرافت و شبیه به نقوش اسلیمی نقش شده است. در مجموع میان طرح زمینه و نقش اسفنکس هماهنگی و تطابق خوبی حاصل شده است.





### آینه از برنز محفوظ در موزه بریتانیا

در پشت آینه، یک جفت اسفنکس با ترکیبی متقارن، پشت به پشت، همراه با نقوش گیاهی در مرکز مدالیون دیده می‌شود. بال اسفنکس با درخت تاک درهم آمیخته است. اسفنکس در این طرح دارای موهای آویزان و چهره تمام‌رخ است و دمش به شکل دایره تکرار شده، شبیه به دم عقرب است و بر نقش صور فلکی آن اشاره دارد. این اثر تقریباً هندسی است و فرم دایره در آن بسیار دیده می‌شود.



### انگشتر از طلا موجود در گالری برکت

اسفنکس بر روی این انگشتر در قالب لوزی همراه با نقوش گیاهی ترسیم شده است. حکاکی، دقیق صورت نگرفته و نقوش گیاهی واضح دیده نمی‌شوند. اسفنکس در این طرح دارای چهره سه رخ است و با تاجی بر سر، نقش شده که نمودی از نقش براق است و احتمالاً از آنجایی که بر روی انگشتر ترسیم شده، می‌توان از آن به عنوان نقش محافظتی نیز یاد کرد.



### ابزار تزیین کننده اسب از طلا و نقره موجود در حراجی ساتیبیز

اسفنکس در این شیء به صورت منفرد نقش شده و در حال حرکت است. دم به صورت پیچان و شبیه به نقوش اسلیمی به تصویر درآمده و به هوا افراشته شده است. چهره سه‌رخ بوده و بال به صورت خالدار است. از آنجا که این شیء برای اسب استفاده می‌شده، احتمالاً علاوه بر جنبه تزیینی، جنبه محافظتی نیز داشته است.



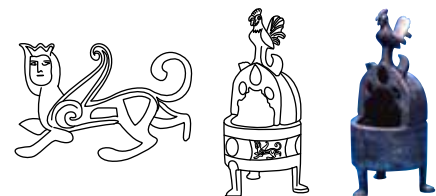
### سینه بند از نقره موجود در گالری برکت

اسفنکس در این اثر با دو بدن و یک سر، به صورت متقارن به تصویر درآمده است. بال‌ها به صورت دو سر بوده و بالای چهره در مرکز نقش به هم اتصال پیدا کرده‌اند. چهره اسفنکس تمام‌رخ و تاجی بر سر دارد. در زیر پاهای این نقش، در مرکز تصویر، نقش گیاهی دیده می‌شود که اسفنکس از آن محافظت می‌کند و احتمالاً اشاره‌ای به درخت طوبی است. از آنجا که این شیء سینه‌بند است، احتمالاً جنبه محافظتی نیز داشته است.



### مشعل بخوردان از برنز، نقره و طلا محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون

اسفنکس در این شیء در قالب مستطیل نقش شده است. دم به صورت پیچان به هوا افراشته شده است. چهره نیز تمام‌رخ بوده و با تاجی بر سر نقش شده که نمودی از براق یا وجهه سلطنتی دارد. در سوی دیگر این شیء و در راستای نقش اسفنکس، نقش گریفین رسم شده است.



### تنگ آبخوری از برنز و نقره و طلا موجود در گالری برکت

اسفنکس در این اثر در داخل طاقچه نیم دایره‌ای شبیه به محراب و در میان نقوش گیاهی و اسلیمی تصویر شده است. در تزیین این نقش نیز چون زمینه از خطوط منحنی شبیه به اسلیمی استفاده شده است. نقش اسفنکس در حال حرکت میان انبوه گیاهان است، چهره‌اش تمام‌رخ بوده و تاجی بر سر دارد که احتمالاً نمودی از براق است.



### تنگ آبخوری از برنز و مس موجود در گالری برکت

اسفنکس در این شیء به صورت رها و بدون قالب به تصویر درآمده است. دم به سوی بالا و بدون فرم‌های تزیینی نقش شده است. چهره تمام‌رخ با ابروهای پیوسته و چشمانی بادامی شکل نقش شده و کلاه‌های تاج‌مانند بر سر آن نیز وجود دارد. بدن در این نقش خالدار است.

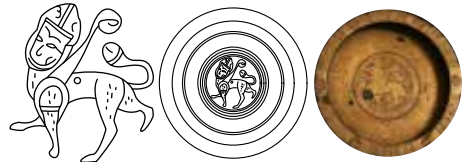


**سینی از برنز موجود در گالری برکت**

اسفنجس در کف این سینی و وسط مدالیون به تصویر درآمده و در حال حرکت است. چهره نقش به صورت تمام رخ بوده و کلاهی بر سر دارد. دم اسفنجس به هوا افراشته شده و چشمها بادامی شکل و ابروها پیوسته هستند. نقش شرفه‌ها در اطراف مدالیون و نقش گل مانند اطراف آن، خورشید را تداعی می‌کند و بر نمایش اسفنجس در نقش صور فلکی و کیهانی اشاره دارد.

**سینی از برنز و مس موجود در گالری برکت**

اسفنجس در این اثر در مرکز مدالیون همراه با نقوش مدور اسلیمی نقش شده است. چهره سه رخ با ابروانی پیوسته و چشمانی بادامی نقش شده است. دم به سوی بالا است و کلاهی بر سر اسفنجس دیده می‌شود. این نقش دارای بدنی خال دار بوده و بر خلاف زمینه، ساده و بدون تزیین ترسیم شده است.

**کاسه از برنز موجود در گالری برکت**

اسفنجس در این اثر نیز در وسط مدالیون و کف کاسه همراه با نقوش خطی شبیه به اسلیمی نقش شده است. چهره تمام رخ بوده و چشمها تصویر نشده است. دم به سمت بالا افراشته شده و کلاهی متفاوت با دو لبه رو به بالا، بر سر دارد. این نقش بر خلاف زمینه شلوغ، بسیار ساده و بدون تزیین نقش شده است.

**کاسه از برنز موجود در حراج خانه اسپایر آرت آگشنز**

اسفنجس در کف این کاسه در وسط مدالیون و همراه با نقوش گیاهی نقش شده است. دایره دارای شرفه است و نمایشی از خورشید دارد. چشمها بادامی و چهره تمام رخ است و دم به سمت بالا افراشته شده و کلاهی متفاوت با دو لبه رو به بالا، بر سر دارد. این نقش بر خلاف زمینه پر نقش و نگار، بسیار ساده ترسیم شده است.

**تنگ آبخوری لعاب دیده از خمیر سنگ در موزه متروپلیتن**

اسفنجس در این اثر روبروی نقش اسفنجس دیگری و با تقارن همراه با نقوش گیاهی، هارپی و دیگر حیوانات با رنگ‌های لاجوردی، فیروزه‌ای و سیاه مصور شده است. بر روی لبه تنگ، شعری با مضمون عاشقانه، عارفانه از رکن الدین دعوی دار قومی کتابت شده است. با توجه به مضمون عارفانه شعر و نقش هارپی، جنبه عرفانی و نقش صور خیال در این تنگ تجلی پیدا کرده است.

**کاسه لعاب دیده از خمیر سنگ در موزه ویکتوریا و آلبرت**

اسفنجس در این اثر در مرکز مدالیون، میان انبوهی از نقوش اسلیمی نقش شده است. در اطراف مدالیون فرم‌های شرفه‌مانندی است که نقش خورشید را تداعی می‌کند. چهره نیم رخ است و تاجی بر سر دارد و احتمالاً نمایشی از براق است. بال، تاج، بدن ظاهر کاملاً تزیینی دارد و همراه با نقوش اسلیمی و هاله نور حاشیه دایره، حال و هوای عرفانی به آن بخشیده است.

**کاسه با تزیین نقش کنده موجود در گالری ساکلی**

اسفنجس در کف این کاسه و در وسط مدالیون با رنگ لاجوردی و فیروزه‌ای نقش شده است. اطراف مدالیون فرم‌های خطی تکرار شده که نور و خورشید را تداعی می‌کند. بدن خال دار، چهره تمام رخ، موها از دو سو آویزان، با کلاهی بر سر نقش شده است. دم به صورت نقوش گیاهی و اسلیمی ترسیم شده و نقشی شبیه به گردن‌بند به دور گردن این نقش است و برخلاف نقوش قبلی بدون بال است.



### کاسه لعاب دیده از خمیر سنگ محفوظ در موزه بریتانیا

اسفنگس در این اثر همراه با نقش سلطنتی، همراهانش و نقوش گیاهی ترسیم شده است. شخص سلطنتی احتمالاً پادشاه، در مرکز قرار دارد و چهار اسفنگس در چهار گوشه با ترکیبی متقارن نقش شده‌اند. این نقش با رنگ‌های لاجوردی، اخراپی و طلائی، بدون جزئیات ترسیم شده است. نکته قابل توجه نقش درخت زندگی یا درخت طوبی است که در میان اسفنگس‌ها قرار دارد.



### کاشی از خمیر سنگ محفوظ در موزه متروپلیتن

اسفنگس در این اثر در مرکز نقش ستاره قرار داده شده، در هر پر ستاره‌ها، نقوش اسلیمی ترسیم شده و از رنگ‌های طلائی، لاجوردی، فیروزه‌ای و اخراپی استفاده شده است. نقش اسفنگس، ساده، بدون جزئیات با چهره تمام‌رخ، چشمان بادامی، موهای آویزان از دو سو و کلاه بر سر و شعاعی طلائی بر دور سرش رسم گشته است که نمایی از هاله نور و جنبه عرفانی این نقش است.



### کاشی هشت پر لعاب داده شده محفوظ در موزه کاراتای

اسفنگس در این کاشی با رنگ‌های قهوه‌ای و آکر رسم شده است. نقوش گیاهی با ظرافت و جزئیات همراه با فرم‌های دایره‌ای که تداعی‌گر میوه هستند، نقش زمینه را پر کرده‌اند. چهره اسفنگس تمام‌رخ بوده، با چشمانی بادامی و ابروانی به هم پیوسته نقش شده، بدن آن خال‌دار است و بال با ترسیمی گیاهی و اسلیمی همراه با دم به هوا افراشته شده است.



### مهر از سفال محفوظ در موزه متروپلیتن

اسفنگس در این اثر با هاله‌ای به دور سر رسم شده که به معانی خورشیدی، اختری و عرفانی آن اشاره دارد و احتمالاً جنبه محافظتی داشته است. نقش اسفنگس در میان نقوش گیاهی با ظرافت رسم شده است. دارای چهره تمام‌رخ، چشمانی بادامی، ابروانی به هم پیوسته، بدنی خال‌دار، همراه با تزیینات بسیاری نقش گشته است.



### پنل از سنگ ماسه موجود در حراجی کریستیز

اسفنگس در این پنل همراه با گریفین، سگ و نقوش گیاهی و گل‌داری چون نیلوفر آبی نقش شده است. چهره اسفنگس تمام‌رخ بوده، تاجی بر سر، گردن‌بندی برگردن، ابروانی بهم پیوسته و دمى همراه با تزیینات اسلیمی دارد که از میان پاها به هوا افراشته شده است. با توجه به نقش سگ و گریفین احتمالاً وجود نقش اسفنگس در اینجا جنبه محافظتی دارد.



### پنل از سنگ آهک موجود در حراجی کریستیز

اسفنگس در این اثر با دو بدن و یک سر و به صورت متقارن به تصویر درآمده است. چهره اسفنگس تمام‌رخ، با ابروانی به هم پیوسته، موهایش از دو سو آویزان شده و چشمانی بادامی شکل دارد و با تاجی بر سر، تصویری شبیه به زنان سلطنتی را القا می‌کند. نقش بال‌ها از دو سمت پشت و روبرو دیده می‌شوند که در نوع خود بی نظیر است و بدن با فرمی شبیه به ۷ در نقش خال مزین شده است. در دوره سلجوقی معمولاً هر نقش به صورت تک بر روی پانل‌ها استفاده می‌شده است (Oney, 2016:138).



## بحث

طبق آمار، ۱۳ اثر فلزی شامل سه آینه، یک انگشتر، یک ابزار زینت دهنده اسب، یک سینه‌بند، یک مشعل بخوردان، دو تنگ آبخوری، چهار سینی و کاسه ساخته شده با نقره، برنز، طلا و مس و همچنین در آثار سفالی، یک تنگ، سه کاسه، دو کاشی، علاوه بر این یک مهر و دو پنل، با نقش اسفنگس زینت داده شده‌اند. پس از بررسی ویژگی‌های ساختاری و نقش کاربردی این نقوش در جداول مشخص، حال، آنها در قیاس با یکدیگر قرار خواهند گرفت (جدول ۳).

آمار حاصله از ۲۲ نقش اسفنگس در هنر هخامنشیان حاکی از این است که اغلب این نقوش بر روی مهرها نقش بسته‌اند. طبق این آمار ۱۲ مهر شامل شش مهر مسطح، سه مهر استوانه‌ای و سه مهر هرمی که با خاک رس، سنگ یمانی و عقیق، سنگ یشم و سنگ لاجورد ساخته شده‌اند، چهار نقش برجسته، یک نقش دیواری، سه پلاک، یک گلدان و یک Pyxis، این نقش را بر خود دارند. در دوران سلجوقی این نقش اغلب بر روی آثار فلزی و سفالینه‌ها دیده می‌شود.

جدول ۳. مقایسه ویژگی‌های ساختاری و نقش کاربردی ۲۲ نقش اسفنجس در دوران هخامنشی و ۲۲ نقش اسفنجس در دوران سلجوقی. مأخذ: نگارندگان.

اسفنجس	هخامنشیان	سلجوقیان
	اغلب بر مهرها و نقوش برجسته	اغلب بر آثار فلزی و سفالینه‌ها
حالات بدنی	چهره نیم رخ	چهره تمام رخ
	چشمان بزرگ	چشمان بادامی
	دم‌های پیچان رو به بالا	دم‌های پیچان رو به بالا
	بال‌های فراخ	بال‌های کشیده
نقوش همراه در آثار	تاج استوانه‌ای بلند پر دار	تاج، کلاه یا پیشانی‌بند
	شبیبه به چهره داریوش	شبیبه به چهره بودا
	نمایش عضلات و حالات دقیق بدن	عدم نمایش عضلات و حالات دقیق بدن
	ریتم در حال رشد در نمایش پرها در بال	ریتم در حال رشد در نمایش پرها در بال
نقوش همراه در آثار	نقش دایره بال‌دار و اهورامزدا	نقش اسلیمی و گیاهی
	عقرب‌مرد	شرفه
	درخت زندگی	درخت زندگی
	شیر	هاربی
نقوش همراه در آثار	گوزن	گوزن
	ماه	یوزپلنگ
	خط نوشتاری	خط نوشتاری
	نقش نگهبان بر در دیواره کاخ‌ها	نقش محافظ در قصرها و کاخ‌ها
نقوش همراه در آثار	نقش اوج قدرت و نمایش شکوه سلطنت	نقش ارتباط با سحر و جادو و طالع بینی
	ماهیت الهی	نماد برکت و باروری
	تجلی خیرخواهانه	نقش صور خیال و وجوه عرفانی
	محافظت از درخت زندگی	محافظت از درخت زندگی و درخت طوبی
نقوش همراه در آثار	نقش نگهبان بر در دیواره کاخ‌ها	نقش محافظ در قصرها و کاخ‌ها
	در دو طرف درخت زندگی مرتبط با نیایش	در دو طرف درخت زندگی یا درخت مقدس مرتبط با نیایش

با چشمان و بینی بزرگ، بال‌هایی فراخ، ریش‌هایی اغلب مستطیل شکل، عمامه مستطیل شکل، تاجی مزین به شیارهایی شبیه به پر و دمی پیچان تصویر می‌شود. اغلب در حالت نشسته با یک دست رو به بالا به نشانه ستایش و احترام، بال‌هایی فراخ، با پرهایی در حال رشد، نقش می‌شوند. این نقش شبیه به چهره داریوش است و هنرمندان هخامنشی با استفاده از شیوه طبیعت‌گرایانه سعی در نمایش عضلات و

نتایج آمار بررسی ساختاری و نقش کاربردی  
- اشیاء مورد استفاده: بیشتر این نقوش در دوره هخامنشیان بر روی مهرها و نقوش برجسته‌ها دیده می‌شود اما برخلاف آن در دوره سلجوقی بر روی آثار فلزی و سفالینه‌ها نقش می‌بندد که نشان از تفاوت آن دارد.  
- حالات بدنی: با توجه به نقوش مورد پژوهش، این نقش در دوره هخامنشیان اغلب با زاویه نیم رخ نقش می‌بندد،

است. با عمامه تشریفاتی بر سرش و حلقه بر گوشش نشان از ماهیتی مقدس دارد. همراه با نیلوفر آبی از آن محافظت کرده و البته نگهبان کاخ است. در دوره سلجوقی این نقش نماد خورشید در آسمان است، گاهی به شکل براق جلوه می‌کند. در برخی از نقوش، هاله‌ای بر دور سر دارد که آن وجه عرفانی و مقدس او را نشان می‌دهد. نقش محافظ از کاخ و درخت طوبی و درخت زندگی را دارد و البته گاهی نشان از صور فلکی داشته و گاهی نیز در ارتباط با طالع بینی و سحر و جادوست. با توجه به این موارد باید گفت با وجودی که این نقوش از لحاظ ساختاری و ظاهری به هم شباهت ندارند اما در معنا و نمادشناسی در موارد بسیاری به هم شباهت دارند.

**مقایسه بصری نقش اسفنگس در دوره هخامنشی و دوره سلجوقی**  
پس از بررسی کاربردی این نقوش، جهت بررسی دقیق‌تر، نقش اسفنگس در این دو دوره تاریخی، مورد بررسی بصری قرار خواهد گرفت. نقوش مورد بحث شامل ۲۲ نقش اسفنگس در دوران هخامنشی و ۲۲ نقش در دوره سلجوقی است که در جداول جداگانه قرار داده می‌شود، در این جداول، ستون‌هایی تعبیه شده است تا علاوه بر نوع نقش از نظر موضوع و جنس، ویژگی‌های بصری آن چون محدوده نقش، نوع خط غالب، راستای غالب، ریتم غالب و نوع ترکیب‌بندی، مورد بررسی قرار گیرد (جدول ۴ و ۵).

حالات بدن داشتند. در دوره سلجوقی بر خلاف هخامنشی چهره تمام رخ، موها آویزان، چشمان بادامی شکل و بینی کوچک است و به چهره بودا شباهت دارد. بدون ریش و اغلب به شکل زنانه ترسیم می‌شود. با بال‌هایی فراخ مزین به پر، دمی پيچان به شکل اسلیمی و نقوش گیاهی، با تاج یا کلاه و پیشانی‌بند منقوش شده، در اکثر مواقع در حال حرکت است. در مجموع با وجود برخی شباهت‌ها می‌توان گفت این دو نقش در شکل ظاهری با یکدیگر تفاوت دارند.

- نقوش همراه در اثر: با توجه به نقوش مورد بحث، در دوره هخامنشی، اسفنگس همراه با نقش دایره بال‌دار، اهورامزدا، پادشاه، دیو، گل نیلوفر آبی، درخت زندگی، شیر، گریفین، گوزن، عقرب‌مرد، بزکوهی، ماه، خطوط موج و خط نوشتاری ترسیم شده است و در دوره سلجوقی همراه با نقش اسلیمی، گیاهی، شرفه و گل آذین‌ها، شخص سلطنتی، درخت زندگی، درخت طوبی، هارپی، گریفین، پرندگان، گوزن، سگ، یوزپلنگ و خط نوشتاری نقش شده است. با توجه به این، با وجودی که برخی نقوش در هر دوره همراه با اسفنگس استفاده می‌شده اما در مجموع نسبت به تعداد، بیشتر با یکدیگر تفاوت دارند.

- نمادشناسی: در دوره هخامنشی اسفنگس نماد خورشید است، در حال ستایش و نیایش و گاه در حال احترام نقش می‌بندد. نماد اوج قدرت و نمایشگر شکوه تمدن هخامنشی
















جدول ۴. بررسی بصری نقش اسفنگس در دوران هخامنشی. مأخذ: نگارندگان.

نقش و محل استقرار	موضوع و جنس	محدوده نقش	خط غالب	راستای غالب	نوع ریتم غالب	نوع ترکیب بندی
	پلاک از طلا	دایره	منحنی	راستای غالب ندارد	تکرار منظم	نامتقارن
	پلاک از طلا	دایره	منحنی	راستای غالب ندارد	ریتم رشدیابنده	نامتقارن
	پلاک از طلا	مثلث	منحنی	افقی و مایل	ریتم رشدیابنده	نامتقارن
	Pyxis از نقره	مستطیل افقی	منحنی	افقی	ریتم رشدیابنده	نامتقارن
	مهر مسطح از خاک رس	لوزی	منحنی	مایل	ریتم خاصی ندارد	نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی
	مهر استوانه‌ای از سنگ یشم	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی و مایل	ریتم رشدیابنده	نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی
	مهر استوانه‌ای از سنگ عقیق	مستطیل افقی	منحنی	افقی	ریتم رشدیابنده	نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی
	مهر استوانه‌ای از سنگ یمانی	مستطیل افقی	منحنی	افقی و مایل	ریتم رشدیابنده	نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی
	مهر هرمی از سنگ یمانی	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی	ریتم رشدیابنده	نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی

نامتقارن	ریتم رشدیابنده	راستای غالب ندارد	منحنی	مربع	مهر هرمی از سنگ یمانی	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	مایل	منحنی	لوزی	مهر هرمی از سنگ یمانی	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	ریتم رشدیابنده	عمودی و مایل	منحنی	مثلث	مهر هرمی از سنگ یمانی	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	ریتم رشدیابنده	افقی و مایل	منحنی	مثلث	مهر مسطح از سنگ یمانی	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	راستای غالب ندارد	منحنی	دایره	مهر مسطح از سنگ فلدسپار	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	عمودی و مایل	منحنی	مستطیل عمودی	مهر مسطح از سنگ لاجورد	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	ریتم رشدیابنده	عمودی و مایل	منحنی	مستطیل عمودی	مهر از خاک رس	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	راستای غالب ندارد	منحنی	مربع	گلدان مربع شکل	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	ریتم رشدیابنده	عمودی و مایل	منحنی	مربع	نقش برجسته از سنگ آهک	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	ریتم رشدیابنده	عمودی و مایل	منحنی	مستطیل عمودی	نقش برجسته	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	ریتم رشدیابنده	عمودی و مایل	منحنی	مستطیل عمودی	نقش دیواری از آجر لعاب دیده	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	ریتم رشدیابنده	عمودی و مایل	منحنی	مربع	نقش برجسته	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	ریتم رشدیابنده	عمودی و مایل	منحنی	مربع	نقش برجسته	

جدول ۵. بررسی بصری نقش اسفنگس در دوران سلجوقی. مأخذ: نگارندگان.

نقش و محل استقرار	موضوع و جنس	محدوده نقش	خط غالب	راستای غالب	نوع ریتم غالب	نوع ترکیب بندی
	آینه از برنز	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی	ریتم خاصی ندارد	نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی
	آینه از برنز	لوزی	منحنی	افقی و مایل	ریتم رشدیابنده	نامتقارن
	آینه از برنز	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی	تکرار منظم	نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی
	انگشتر از طلا	لوزی	منحنی	مایل	ریتم خاصی ندارد	نامتقارن
	زینت بخش اسب از طلا و نقره	لوزی	منحنی	مایل	تکرار نامنظم	نامتقارن
	سینه بند از نقره	مستطیل افقی	منحنی	افقی	ریتم خاصی ندارد	تقارن کامل عمودی
	مشعل بخور دان از برنز، طلا و نقره	مستطیل افقی	منحنی	افقی	ریتم خاصی ندارد	نامتقارن

نامتقارن	ریتم رشدیابنده	مایل	منحنی	لوزی	تنگ آبخوری از برنز و نقره	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	راستای غالب ندارد	منحنی	مربع	تنگ آبخوری از برنز و مس	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	راستای غالب ندارد	منحنی	دایره	سینی از برنز	
نامتقارن	تکرار نامنظم	راستای غالب ندارد	منحنی	دایره	سینی از برنز و مس	
نامتقارن	ریتم خاصی ندارد	راستای غالب ندارد	منحنی	دایره	کاسه از برنز	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	راستای غالب ندارد	منحنی	دایره	کاسه از برنز	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	تکرار نامنظم	راستای غالب ندارد	منحنی	مربع	تنگ آبخوری از خمیر سنگ	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	راستای غالب ندارد	منحنی	دایره	کاسه از خمیر سنگ	
نامتقارن	تکرار منظم	راستای غالب ندارد	منحنی	دایره	کاسه میناکاری شده	
نامتقارن در تقارن با نقش بر روی شی	ریتم خاصی ندارد	راستای غالب ندارد	منحنی	مربع	کاسه مینا کاری از خمیر سنگ	
نامتقارن	ریتم خاصی ندارد	مایل	منحنی	لوزی	کاشی از خمیر سنگ	
نامتقارن	تکرار نامنظم	راستای غالب ندارد	منحنی	مربع	کاشی هشت پر جلا داده شده	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	راستای غالب ندارد	منحنی	دایره	مهرسفال حکاکی شده	
نامتقارن	ریتم رشدیابنده	راستای غالب ندارد	منحنی	مربع	پنل حک شده از سنگ ماسه	
تقارن کامل عمودی	ریتم رشدیابنده و تکرار نامنظم	افقی	منحنی	مستطیل افقی	پنل حک شده از سنگ آهک	

## نتایج آمارهای بصری

پس از بررسی بصری نقش اسفنکس در دوره هخامنشی و دوره سلجوقی، در جدولی جداگانه مورد قیاس قرار داده شدند (جدول ۶).

محدوده نقش: در تعریف می‌توان گفت محدوده یا کادر، فضای شکل‌گیری عناصر بصری را در محدوده فیزیکی، قاب‌بندی و فضا را به دو بخش درونی و بیرونی اثر تقسیم می‌کند» (پهلوان، ۱۳۹۰: ۱۹). کلیه نقوش اسفنکس مورد پژوهش دارای محدوده اندام‌آور هستند. لذا بر حسب محدوده هندسی، با یکدیگر متفاوتند. آمار حاصله از مقایسه تطبیقی محدوده نقش در ۲۲ نقش اسفنکس دوره هخامنشی و ۲۲ نقش اسفنکس دوره سلجوقی نشانگر این است که اکثر

محدوده نقش در عهد هخامنشی مستطیل عمودی و در دوره سلجوقی، دایره است که نشان از تفاوت این دو دارد. در عهد هخامنشی پس از مستطیل عمودی، مربع بیشترین محدوده نقش را دارد. مستطیل از منظر یونگ نماد «ماده زمینی، جسم و واقعیت است» (یونگ، ۱۳۸۹: ۳۷۹). غلبه چشمگیر محدوده‌های چهار ضلعی و استفاده ناچیز از دایره برای ترسیم نقش اسفنکس، صلابت، استحکام و حس قدرت این نقش را در دوره هخامنشیان به نمایش می‌گذارد. در دوران سلجوقی اغلب نقوش اسفنکس در محدوده دایره جای دارند. دایره نمادی از وحدت و نشانگر کمال است و به عنوان نمادی مقدس، مظهر آرامش، آسودگی، ایمنی، دوستی، صمیمیت و روح است (یونگ، ۱۳۸۹؛ بوکور، ۱۳۷۳).

است برای نمایش دادن صوری که در دنیای مادی و واقعی وجود ندارد و تنها در خیال هنرمند هستند (داندیس، ۱۳۸۹: ۷۴). آمار به دست آمده از مقایسه تطبیقی چگونگی خط غالب در نقش اسفنکس این دو دوره نشان از این دارد که خط غالب در دو دوره هخامنشی و سلجوقی خط منحنی است که نشان از شباهت نقوش اسفنکس این دو در زمینه چگونگی خط غالب دارد. معمولاً موضوع‌های زیبا و آرامش‌بخش، با خط نرم و منحنی، به تصویر در می‌آیند زیرا که خط منحنی، خطی است نرم، لغزنده و آرامش‌دهنده و در یک اثر، این حس آرامش و راحتی خود را همراه با حسی زیبا، در بیننده به وجود می‌آورد. در میان نقوش اسفنکس دوره سلجوقی،

وجود این محدوده در نقوش اسفنکس این دوره بر وجوه عرفانی و قدسی آن صحنه می‌گذارد. پس از آن، مربع و لوزی بیشترین محدوده نقش را دارد. البته نقوش با این دو محدوده در مرکز دایره ترسیم شده‌اند یا همراه با نقش اسفنکس متقارن خود، تشکیل فرم دایره می‌دهند. به عبارتی مربع نماد زمین و دایره نماد آسمان است. «برای مربع، دایره همان است که آسمان برای زمین، و ابدیت برای زمان، لکن چون مربع در دایره می‌گنجد، پس زمین تابع آسمان است» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

- نوع خط غالب: خط به عنوان یکی از عناصر بصری «وظیفه پر اهمیت ساختار را بازی می‌کند» (هوفمان، ۱۳۸۸: ۱۳) و ابزاری

جدول ۶. مقایسه تطبیقی ویژگی‌های بصری ۲۲ نقش اسفنکس در دوره هخامنشی و ۲۲ نقش اسفنکس در دوره سلجوقی. مأخذ: نگارندگان.

دوره سلجوقی		دوره هخامنشی		چگونگی	عناصر بصری
تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۳	۱۴٪	۳	۱۴٪	مستطیل افقی	محدوده نقش
۲	۹٪	۶	۲۶/۵٪	مستطیل عمودی	
۵	۲۲/۵٪	۵	۲۲/۵٪	مربع	
۷	۳۲٪	۳	۱۴٪	دایره	
-	-	۳	۱۴٪	مثلث	
۵	۲۲/۵٪	۲	۹٪	لوزی	
۲۲	۱۰۰٪	۲۲	۱۰۰٪	منحنی	خط غالب
۳	۱۴٪	۲	۹٪	افقی	راستای غالب
۲	۹٪	۱	۴٪	عمودی	
۴	۱۸٪	۲	۹٪	مایل	
۱	۴٪	۳	۱۴٪	افقی و مایل	
-	-	۹	۴۱٪	عمودی و مایل	
۱۲	۵۵٪	۵	۲۳٪	راستای غالب ندارد	
۲	۹٪	۱	۴٪	تکرار منظم	ریتم غالب
۴	۱۸٪	-	-	تکرار نامنظم	
۹	۴۱٪	۲۰	۹۲٪	ریتم رشد یابنده	
۷	۳۲٪	۱	۴٪	ریتم خاصی ندارد	
۲	۹٪	-	-	تقارن کامل عمودی	ترکیب بندی
۲۰	۹۱٪	۲۲	۱۰۰٪	نا متقارن	
۴	۱۸٪	۱۲	۵۴/۵٪	متقارن با نقش روی شی	
۱۸	۸۲٪	۱۰	۴۵/۵٪	عدم تقارن با نقش روی شی	



نه براساس محورهای افقی و عمودی و مایل، بلکه براساس ارزش‌های بصری خودشان، قرار می‌گیرند. آمار به‌دست آمده از مقایسه تطبیقی چگونگی ترکیب‌بندی حاکی از این است که اکثر نقوش اسفنجس این دو دوره، نامتقارنند که نمایانگر شباهت نقش‌مایه‌های اسفنجس این دو در این ویژگی بصری است. البته ۱۲ نقش اسفنجس در دوره هخامنشی، متقارن با نقش اسفنجس دیگر بر روی شیء هستند. گاه نقوش در این تقارن پشت به پشت و گاه رو به رو یکدیگر هستند، و در نقوش اسفنجس هخامنشی ۴ نقش به این گونه‌اند.

### نتیجه‌گیری

اسفنجس یا ابوالهول از نمونه موجودات ترکیبی است که در طول تاریخ و در تمدن‌های باستانی با مفاهیم گوناگونی ظاهر می‌شود. در ابتدا در نقشی محافظتی از معابد و مقابر در مصر استفاده می‌شده، ولی بعدتر و در تمدن‌های گوناگون، معانی مختلفی به خود می‌گیرد. استفاده مکرر از آن در طی دوره‌های مختلف و تداوم آن از دوران باستان به دوران اسلامی، بر اهمیت آن صحنه می‌گذارد. این نقش از نقوش مورد استفاده بر آثار هخامنشی است و هخامنشیان اغلب از آن در مهرها و نقش برجسته‌ها استفاده می‌کردند. در هنر اسلامی نیز این نقش مورد توجه بوده است. یکی از این دوران، دوره سلجوقی است که از اسفنجس بیشتر بر آثار فلزی و سفالینه‌ها استفاده می‌کردند. بررسی‌های صورت‌گرفته بر روی خصوصیات ساختاری و نقش کاربردی اسفنجس و همچنین خصوصیات بصری آن در این دوره تاریخی، نمایانگر برخی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، میان آنهاست. از لحاظ ویژگی‌های ساختاری، این دو نقش در اغلب موارد با یکدیگر متفاوت بودند ولی از نظر نمادشناسی و نقش کاربردی آن به یکدیگر شباهت دارند. از لحاظ ویژگی‌های بصری این نقوش از حیث ترکیب‌بندی، نوع خط و نوع ریتم با یکدیگر شباهت دارند و از لحاظ محدوده و راستا با یکدیگر متفاوتند. با توجه به این امر باید گفت که در طی دوران‌های تاریخی ایران، با وجودی که این نقش از منظر ظاهری و ویژگی‌های ساختاری دچار تغییراتی شده، اما از حیث معنا بسیاری از مفاهیم را در خود نگه داشته است و تغییرات ظاهری آن بیشتر الهام گرفته از زمانه تاریخی خود بوده است. در مجموع در شکل‌گیری این نقوش عوامل مختلفی چون سیاست، قدرت، مذهب، علم، عرفان و ... نقش داشته و جوامع براساس نیازها و باورهای خود و تحت تأثیر این عوامل، آنها را نقش می‌کرده و یا تغییر می‌دادند.

### پی‌نوشت

با تشکر ویژه از شیما چرخکار و ثریا شمشادی (دانشجویان رشته گرافیک موسسه آموزش عالی کابیان در مشهد)، بابت ترسیم خطی نقوش مورد مطالعه در مقاله.

برتری خط منحنی بیش از دوره هخامنشی نمود پیدا کرده و آن هم به دلیل استفاده مکرر از این خط در طراحی جزییات و تزیینات، به‌ویژه ترسیم اسلیمی است که علاوه بر خود نقش، زمینه را هم در برمی‌گیرد. استفاده از خط منحنی در نقوش اسفنجس دوره هخامنشی بیشتر تأکید بر نمایش طبیعت‌گرایانه و وفاداری به طبیعت دارد.

راستای غالب: علاوه بر محدوده نقش و نوع خط، راستا و مسیر خط می‌تواند بیانگر حالات نقش باشد. نتایج به‌دست آمده از مقایسه تطبیقی راستای غالب در نقش اسفنجس موجود در دو دوره هخامنشی و سلجوقی نشانگر این است که راستای غالب در دوره هخامنشی، راستای عمودی و مایل است و در دوره سلجوقی، اکثر نقوش راستای غالب ندارند که نشان از تفاوت این دو دارد. برتری راستای عمودی در نقوش اسفنجس هنر هخامنشیان، استواری، مقاومت، صلابت و قدرت این نقوش را به نمایش می‌گذارد و به نوعی حس قابل اعتماد بودن را تداعی می‌کند. همچنین غالب بودن حداکثری راستای مایل، نشانه‌ای از زندگی، سرسختی، جنبش و پویایی است. اکثر نقوش اسفنجس در دوره سلجوقی راستای غالب ندارند و این به دلیل استفاده بیشتر این نقوش در محدوده دایره، مربع و لوزی است.

ریتم غالب: ریتم به عنوان یک عنصر بصری از گذشته تا به امروز مورد توجه بوده است. طبیعت نمونه بارز وجود ریتم است که انسان در طول تاریخ با الهام از آن، در زندگی خود بهره می‌برده است. ریتم با حرکت، ارتباط مستقیمی دارد و به صورت تکرار، تناوب و رشد، نمود پیدا می‌کند. نتایج حاصله از مقایسه تطبیقی چگونگی ریتم غالب در نقوش اسفنجس این دو دوره حاکی از این است که ریتم غالب در دوران هخامنشی و سلجوقی ریتم در حال رشد است و این نشان از شباهت نقوش اسفنجس این دو عهد، در این زمینه است. برتری این نوع ریتم به علت استفاده از بال و نشان دادن پره‌های بال اسفنجس است. ریتم در حال رشد در نقوش اسفنجس هخامنشی، نود و دو درصد را به خود اختصاص داده و تمامی آن در نمایش پره‌های بال است. این نشان می‌دهد که هنرمند هخامنشی وفادار به طبیعت بوده و سعی داشته ظرافت و جزییات بال را به صورت واقع‌گرایانه به تصویر درآورد. در دوره سلجوقی نیز با وجودی که که ریتم در حال رشد بر ریتم‌های دیگر غلبه دارد اما نسبت به دوره هخامنشی بسیار کمتر است.

ترکیب‌بندی: در یک اثر هنری می‌توان با دو روش گزینه‌سازی و طراحی‌های نامتقارن به تعادل رسید. در ترکیب‌بندی متقارن، محور از مرکز عبور کرده و عناصر در دو سو یکدیگر را منعکس می‌کنند (داندیس، ۱۳۸۹: ۱۵۸)، اما در ترکیب‌بندی نامتقارن، عناصر تشکیل‌دهنده نقش،

## فهرست منابع

- گرابار، الگ. (۱۳۸۵). هنرهای دیداری، در تاریخ ایران کمبریج. جلد ۴. ت: حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- هال، جیمز. (۱۳۹۳). فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب. ت: رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- هرتسفلد، ارنست. (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان. ت: همایون صنعتی‌زاده، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید با هنر کرمان.
- هوفمان، آرمین. (۱۳۸۸). مبانی هنرهای تجسمی. ت: مهرنوش ارشدی. تهران: آبان.
- هیلن برند، رابرت. (۱۳۸۶). هنر و معماری اسلامی. ت: اردشیر اشراقی. تهران: فرهنگستان هنر.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۹). انسان و سمبل‌هایش. ت: محمود سلطانیه. تهران: جامی.
- Calmeyer, P., Trümpelmann, L. & Zick-Nissen, J. (1972). *Das Tier in der Kunst Irans*. Stuttgart: linden –museum.
- Carstens, A. M. (2010). The Labraunda Sphinxes. Achaemenid impact in the Black Sea, Communication of powers, Aarhus. Aarhus University Press, (11): 41-46.
- Dusingberre, E. (2008). Circles of Light and Achaemenid Hegemonic Style in Gordion's Seal 100. *Classics Faculty Contributions*, 3 (3): 87-98.
- Guratola, G. (2006). *Persian Ceramics from the 9th to the 14th century*. Italy: Skira Editore S.P.A.
- Oney, G. (2016). Reflection of Ghaznavid Palace Decoration On Anatolian Seljuk Palace Decoration. *Sanat Tarihi Dergisi*, 3 (3): 133-141.
- بوکور، مونیگ دو. (۱۳۷۳). رمزهای زنده جان. ت: جلال ستاری. تهران: نشر مرکز.
- پرادا، ادیت. (۱۳۸۳). هنر ایران باستان. ت: یوسف مجیدزاده. تهران: دانشگاه تهران.
- پهلوان، فهیمه. (۱۳۹۰). ارتباطات تصویری از چشم‌انداز نشانه‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- حسینی، هاشم. (۱۳۹۱). نقش موجودات ترکیبی در هنر سفال‌گری دوران اسلامی. هنرهای زیبا، ۱۷ (۴): ۴۵-۵۴.
- دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام. (۱۳۸۵). درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان. تهران: دانشگاه الزهرا.
- داندیس، دونیس. ا. (۱۳۸۹). مبادی سواد بصری. ت: مسعود سپهر. تهران: انتشارات سروش.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۰). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- شارپ، رالف نورمن. (۱۳۵۲). فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی. تهران: انتشارات جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی.
- شوالیه، ژان و گریبان، آلن. (۱۳۸۴). فرهنگ نمادها، جلد ۱. ت: سودابه فضایی. تهران: انتشارات جیحون.
- صدیقیان، مهین‌دخت. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیری-حماسی ایران، جلد ۱. تهران: پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طاهری، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی ساختار فیزیکی براق در نگارگری ایران. نقش‌مایه، ۵ (۱۰): ۱۵-۲۴.
- عابد دوست، حسن و کاظم‌پور، زیبا. (۱۳۸۸). تداوم حیات اسفنجس‌ها و هارپی‌های باستانی در هنر دوره اسلامی. نگره، ۴ (۱۳): ۹۱-۸۱.
- گدار، آندره. (۱۳۷۷). هنر ایران. ت: بهروز حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

## COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



## نحوه ارجاع به این مقاله

شریف‌زاده، محمد رضا و فیضی‌مقدم، الهه. ۱۳۹۷. مطالعه تطبیقی نقش اسفنجس در هنر هخامنشی و هنر سلجوقی. باغ نظر، ۱۵ (۶۴): ۷۰-۵۳.



DOI: 10.22034/bagh.2018.69480

URL: [http://www.bagh-sj.com/article\\_69480.html](http://www.bagh-sj.com/article_69480.html)